

بررسی عوامل شکل‌گیری زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری

فریدون اله‌یاری^{*}، سمیه بختیاری^۲

۱- استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان. پژوهشگر مطالعات تاریخ اجتماعی بختیاری.

چکیده

ترکیب اجتماعی جمعیت ایران متشکل از سه جامعه شهری، روستایی و صحرائنشینی است؛ صحرائشینیان بر اساس شیوه زندگی و معیشتشان به دو جامعه عشایری و ایلی تقسیم می‌شوند. در واقع جامعه عشایری همان شیوه اولیه زندگی و معیشت ایلی است که به مرور زمان با گرایش و وابستگی به زمین، به جامعه ایلی نیمه صحرائشین و یکجانشین تبدیل شده است. جامعه عشایری زندگی کوچی دارند، اسکان یافته نیستند و همیشه زیر چادر زندگی می‌کنند. جمعیت آنها نسبت به ایلات نیمه صحرائشین و یکجانشین کمتر است و معیشت آنها تنها از راه دامداری تأمین می‌شود. در حالی که جامعه ایلی الزاماً کوچ رو نیستند و در کنار تولید دام و فرآورده‌های دامی به کشاورزی و تولید صنایع دستی نیز می‌پردازند و سلسله مراتب سیاسی-اجتماعی دارند. در این پژوهش پس از بررسی خاستگاه نژادی بختیاری‌ها و ساختار اجتماعی-سیاسی ایشان به عوامل شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کوچ‌نشینی، ایل بختیاری، نظام تولید، دامداری، امنیت.

مقدمه

سابقه زندگی عشایری و ایلی، به عصر پیش از تاریخ، حدود هزاره هفتم قبل از میلاد بر می گردد؛ زمانی که عشایر، در ارتباط مستقیم با طبیعت زندگی کرده و معیشتشان دآمداری بود. بنابراین در این جامعه، سه عنصر دام، مرتع و کوچ ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. کوچ عشایر، دسته جمعی است و نظام و تشکیلات خاصی دارد و در فصول معینی بدان مبادرت می ورزند. در واقع، منظور از عشایر آن دسته از خانواده‌های عشایری است که دارای ویژگی‌های سه گانه ی زیر بودند: ۱- داشتن وابستگی ایلی و طایفه ای. ۲- اتکای عمده ی زندگی به معیشت دامی. ۳- زندگی کوچ نشینی.

برخی از مردم شناسان "وجود ساختار ایلی یعنی رده بندی تیره و طایفه و جز آن در ایل"، "باور اعضای ایل به تعلقشان به یکی از رده‌های این ساختار"، و "داشتن سرزمین مشترک با محدوده ی معین" را معیاری برای تشخیص جامعه ی ایلی از جوامع دیگر قرار داده‌اند. (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۳۲) همچنین دیگر مردم شناس فرانسوی، این ضابطه‌ها را ملاک تشخیص جامعه ایلی دانسته است: ۱- نظام خویشاوندی منسجم و نیرومندی که مسائل و معضلات ایل بر اساس قوانین برآمده از آن نظام، در درون ایل حل و فصل می شود. ۲- سازمان اجتماعی و اداره ی هر می شکل شاخه ای مبتنی بر نظام خویشاوندی. ۳- شیوه ی معیشتی ویژه ای که بیشتر بر نگاهداری و پرورش دام استوار است. (زراعت در جامعه ایلی در درجه دوم اهمیت قرار دارد و تولید صنایع دستی از نوع ریسندگی و بافندگی اشتغال جنبی مردم ایل است). ۴- شیوه ی زیست خاصی که به شکل کوچندگی و نیمه کوچندگی آشکار می گردد. (دیگار، ۱۳۶۶: ۱۱-۱۶) برخی هم کوچندگی فصلی و تحرک از منزلی به منزلی دیگر در قلمروی معین، و معاش مبتنی بر دامپروری را از شاخصه‌های مهم در شناخت جامعه ی ایلی می دانند و برای آن دسته از ایل‌ها که زمانی کوچنده بودند و سپس یکجانشین شدند و ضمن وحدت ایلی خود، از دآمداری به کشاورزی روی آوردند، اصطلاح ایل به کار می برند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴: ۳۱۷؛ ۴۵۲) (Sheil, 1973: 317) بنابراین ایل، مجموعه ای سازمان یافته از اتحاد طایفه‌هایی است که با یکدیگر همبستگی خونی، خویشاوندی نسبی و یا سببی دارند و در یک محدوده ی جغرافیایی متعلق به ایل زندگی می کنند. بدین ترتیب، کوچ نشینی سبکی از زندگی است که

در آن انسان از راه پرورش حیوانات و بهره‌مندی از فرآورده‌های کشاورزی زندگی می‌کند و به سبب تغییرات شرایط آب و هوایی و دائمی نبودن چراگاه‌ها و مراتع ناگزیر از جابه‌جایی سالیانه از محلی به محل دیگر است. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۱)

تاریخ ایران سه هزار سال پیش به این سو را کوچ‌نشینان به عنوان نیروی قدرتمند رقم زدند و در طول این مدت بانی یا نابودکننده امپراتوری‌های بزرگی بوده‌اند. کوچ‌نشینان ایران از بدو ورود قوم آریایی تا یک قرن پیش نه تنها ستون فقرات نیروی نظامی را تشکیل دادند؛ بلکه بنیان‌گذار اغلب سلسله‌های حاکم بر این سرزمین بودند. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۲۷)

ایل بختیاری یکی از مهمترین ایلات کوچ‌نشین ایران است که در جنوب‌غربی ایران در امتداد رشته کوه‌های زاگرس مرکزی سکونت دارند. حدود و ثغور آن از طرف شمال به اصفهان و لرستان، از طرف جنوب به بهبهان، از طرف جنوب‌شرقی و شرق به کوه‌های کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به خوزستان منتهی می‌شود. به دلیل شرایط اقلیمی منطقه، بختیاری‌ها زندگی شبانی و کوچ‌نشینی داشته‌اند و از اوایل پاییز تا بهار در دشت‌های خوزستان در حواشی خلیج فارس سکونت دارند و ییلاق‌های بهاری و تابستانی آن‌ها در ارتفاعات زاگرس و مراتع کوهستانی غرب اصفهان می‌باشد. (Housego, 1978: 89-90)

نظریه‌های مختلفی در رابطه با عوامل شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری وجود دارد. برخی از نظریه پردازان معتقدند قدمت کوچ‌نشینی در ایل بختیاری به مرحله انقلاب نوسنگی (۶۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ سال پیش) می‌رسد و در پویش سازگار با تکامل مرحله یکجانشینی به وجود آمده است و برخی دیگر به دنبال یافتن دلایل کوچ‌نشینی ایل بختیاری به حملات ترکان و مغولان و البته پیدایی سبک جدیدی از کوچ‌نشینی در ایران اشاره می‌کنند و معتقدند که ورود ایلات و قبایل مهاجر و مهاجم به ایران منجر به زندگی شبانی و کوچ‌نشینی در ایل بختیاری شده است. در این پژوهش پس از بررسی خاستگاه نژادی بختیاری‌ها و ساختار اجتماعی - سیاسی ایشان به عوامل شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری پرداخته می‌شود.

درآمدی بر ایل بختیاری

نخستین بار نام منطقه بختیاری در منابع صفوی آمده و از آن زمان بختیاری‌ها در تحولات تاریخی ایران نقش آفرین بوده‌اند. (Tapper, 1991: 513) البته باید گفت ایل بختیاری برای نخستین بار در تاریخ گزیده (۷۳۰ هـ.ق) به صورت نام یکی از قبایل لر بزرگ ضبط گردیده است. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۴۰) همچنین واژه لر بزرگ در زمان مغول رایج شد و تا زمان صفویه همچنان به کار می‌رفت. اما پیش از سده هشتم این منطقه و همچنین لر کوچک را با هم لرستان (بلاد اللور) می‌نامیدند. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۸۴-۸۸)

درباره ی خاستگاه نژادی بختیاری، دو نظریه وجود دارد؛ برخی از مردم شناسان و محققین بختیاری‌ها را ایرانی الاصل می‌دانند. ویلسون می‌گوید: «لوریمر در مقاله تحقیقی خود نشان داد که گویش بختیاری در اصل ایرانی آمیخته با کلماتی از پهلوی قدیم و همچنین مخلوطی از واژه‌های عربی، ترکی و کردی است که ریشه قومی و عشیره ای دارد.» (لایارد و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۶۵) برخی از محققین شباهت لباس زنان بختیاری به لباس زنان زرتشتی دوره ی ساسانی و گویش و زبان آمیخته با لغات پهلوی ساسانی را دلیل ایرانی الاصل بودن بختیاری‌ها ذکر کرده‌اند. همچنین عده ای به قضاوت زبانشان که فارسی شکسته و حاوی بسیاری واژه‌ها و اصطلاحات منسوخ قدیمی است؛ چنین نتیجه می‌گیرند که بختیاری‌ها ساکنین عهد کهن این خاک بوده‌اند. (مینورسکی، ۱۳۶۲: ۲۰-۲۱) نظریه دوم بختیاری‌ها را غیر ایرانی دانسته و تبارشان را به یونانی‌ها، ترک‌ها و مغول‌ها رسانیده‌اند. (شنیدلر، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۸) به نظر می‌رسد، نتیجه گیری درباره خاستگاه نژادی بختیاری مستلزم دانستن وجه تسمیه واژه بختیاری می‌باشد.

برخی معتقدند که واژه بختیاری از دو جزء "بخت" و "یاری" تشکیل شده و «سبب این امر آن که چون این قوم در یکی از جنگ‌های سخت به مدد شاه اسماعیل شتافتند و دشمن را از میان برداشتند پادشاه صفوی از این اقوام خوشنود گردیده و گفت امروز بخت یار من گشت؛ از این رو از آن زمان به بعد ایل مزبور به بختیاری موسوم گردیده است.» (سردار اسعد، ۱۳۶۳: ۳۸۶) و برخی بر اساس یک روایت محلی این قوم از نسل شخصی به نام بختیار هستند و به همین سبب به بختیاری موسوم گردیده است (امان‌اللهی، ۱۳۷۰: ۹۳). ویلسون وجه تسمیه بختیاری را با دقت مورد بررسی قرار داده و می‌گوید سه روایت در رابطه با وجه تسمیه

بختیاری وجود دارد. یکی این که بختیاری‌ها به استاد یک روایت افسانه‌ای بازماندگان مردمانی هستند که از زمان ضحاک پسر مرداس باقی مانده‌اند. مردمانی که از ظلم و ستم ضحاک به دشت و کوهستان فراری شدند "بخت یار" یعنی مردم خوشبخت نامیده شدند. بنا به روایتی دیگر بختیاری‌ها از نژاد مردی مغول به نام بختیارند که همراه لشکر افراسیاب از توران برای تصرف قلمرو گشسب به ایران آمده بودند. روایت سوم بختیاری‌ها در زمان داریوش سوم از ظلم و ستم حکام این پادشاه به کوه‌ها فراری شدند و بعدها بختیاری نام گرفتند. (لایارد و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۴۵-۲۴۶)

بدلیسی نام یکی از طوایفی که به لرها پیوستند را بختیاری ذکر کرده است. «در سال ۵۰۵ لرها قوی شدند چون اقوام بسیاری از جبل‌السماق شام به لرها پیوستند که بختیاری جزو آن‌ها آمده...» (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۴۷) برخی از محققین این نظریه را بر دیگر نظریه‌ها ارجحیت داده‌اند و قابل قبول تر دانسته‌اند. در هر حال این روایت‌ها تصدیق می‌کنند که بختیاری‌ها هیچ‌گاه همه افراد آن از قوم واحدی نبوده و نیستند. در بین بختیاری‌ها مردمانی از اقوام ایرانی، عرب، مغول و ارمنی وجود دارند. مردمان بختیاری مخلوطی از اقوام مختلف هستند که تشکیلات سیاسی-اجتماعی خود را در مقابل همسایگان خود در قرن نوزدهم میلادی انسجام بخشیدند (امان، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۸). بنابراین ایل بختیاری از طوایف مختلفی ترکیب یافته است که از نژادهای دیگر هستند و به مرور زمان به تابعیت این ایل در آمده‌اند.

ساختار اجتماعی و سیاسی ایل بختیاری از لحاظ سلسله مراتب از یک نظام منظم و دقیق پیروی می‌کند و مجموعه‌ای سازمان یافته از اتحاد طایفه‌هایی است که با یکدیگر همبستگی خونی، خویشاوندی نسبی و یا سببی دارند و در یک محدوده جغرافیایی متعلق به ایل زندگی می‌کنند. عالی‌ترین مقامات حاکم بر ایل بختیاری در دوره قاجار ایلخانی، ایل‌بیگی و حاکم می‌باشد. ایلخان مسئول برقراری نظم و امنیت در داخل ایل و همچنین به عنوان نماینده ایل در برابر حکومت مرکزی و سایر گروه‌ها بود. ایل‌بیگی دستورات ایلخان را به مرحله اجرا می‌گذاشت و با کلانتران و خوانین و ریش‌سفیدها سیاست کلی ایل را هماهنگ می‌کرد. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۹۷) حاکم مسئول اداره ناحیه چهارم‌محال بوده که به عنوان مرکز سنتی ایلخان و خوانین بختیاری محسوب می‌شده است. «اگرچه حکومت چهارم‌محال رتبه‌

ایلاتی نیست، ولی چون که اغلب دهات و املاک چهارمحال، مال بختیاری‌ها است از حیث پلتیک طایفه لازم است که حکومت چهارمحال با بختیاری‌ها باشد.» (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۳۵۳)

این ایل به دو شاخه کلی چهارلنگ و هفت‌لنگ تقسیم می‌گردد. هر شاخه به چند طایفه که ریاست هر طایفه با خان و کلانتر بود و هر طایفه به چند تیره که در رأس هر تیره کدخدا قرار داشت و هر تیره به چند تش که هر تش تحت ریاست ریش سفید و هر تش به چندین اولاد که در رأس آن ریش سفید قرار داشت و هر اولاد به چند خانوار که هر خانوار تحت سرپرستی رئیس خانوار قرار داشت؛ تقسیم می‌شده است (صفی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۳۱).

عوامل شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری

در مرحله انقلاب نوسنگی، انسان با اهلی ساختن حیوانات و کشت نباتات دست به تولید خوراک زد و زندگی ده‌نشینی، توأم با کشاورزی و دام‌داری آغاز گردید که در دهات پشتکوه لرستان و برخی دیگر از نقاط ایران آثاری از این مرحله تمدن^(۱) دیده می‌شود. پیدایش کوچ‌نشینی در دوره مرحله نوسنگی رخ داده است؛ زیرا متکی بر بهره‌گیری از حیوانات اهلی می‌باشد. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۲۴) در واقع زندگی کوچ‌نشینی نوعی سازش با محیط است که از حدود ۸۰۰۰ سال پیش آغاز گردیده و می‌توان گفت که گونه‌ای از نوآوری می‌باشد که با توجه به وضعیت ابزار و فنون ساده آن زمان بهترین روش برای بهره‌گیری از زمین سنگلاخی بوده است. (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۶۰)

در متون اوستا و متون غیر دینی پارت‌ها به زندگی کوچ‌نشینی اشاره شده است که نشان دهنده تداوم زندگی کوچ‌نشینی از مرحله نوسنگی تا ورود اسلام است. پس از اسلام کوچ‌نشینی بسیار رواج داشت، اما سبک زندگی کوچ‌نشینی ایران پس از اسلام با دوره باستان متفاوت است، باشد. شاید به همین دلیل است که برخی از محققین با دیدن این تمایزات، رواج شکل زیستی کوچ‌نشینی را به حملات ایلات مهاجم نسبت داده‌اند.

باید گفت، سبک زندگی کوچ‌نشینی در ایران باستان یک پویش درونی بود و روستاها و شهرها با این شکل زیستی گسترش پیدا کرده بودند. به همین دلیل این شکل زیستی در سازگاری کامل با جامعه بود؛ زیرا به تدریج مراحل تحول خود را با سایر گونه‌های زیستی

پشت سر می‌گذاشت. اگر شهر و روستایی شکل گرفته بود مبتنی بر زیست‌قبیله‌ای بود در ضمن تداخل و تقابل وجود نداشت. (طیبی، ۱۳۷۴: ۱۱۶ و ۱۲۲) اما پس از اسلام بسیاری از اقوام و گروه‌های ایلی قبیله‌ای وارد ایران شدند و با ورود همین گروه‌ها کوچ‌نشینی در ایران رشد کرد و توازن جامعه ایرانی را به هم زد. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۳) با وجود مهاجرت اعراب و ترکان غزنوی به ایران، اوج مهاجرت به شکل تهاجمی در دوره میانه تاریخ ایران را باید دوره سلجوقیان دانست که تبار خود را غز یا اوغوز می‌دانستند. دومین تهاجم و مهاجرت گسترده گروه‌های ایلی و قبیله‌ای را باید به دوره مغول نسبت داد که با ورود این اقوام بیگانه روند کوچ‌نشینی رشد فراوانی یافت و وزنه اجتماعی - سیاسی زندگی کوچ‌نشینی نسبت به جامعه شهری، روستایی افزایش یافت. نظام ایلی تقویت شد و زندگی شهری و روستایی به زوال رفت. از آنجایی که مردم ایران در شهرها زیر فشار سیاسی حکومت‌های ایران بوده و روستاییان یوغ اقتصادی تیولداران، صاحبان اقطاع و بزرگ مالکان را بر گردن داشتند ایلات کوچ‌نشین به دلیل امکان تحرک و جابه‌جایی و صعب‌العبور بودن محیط زیست خویش از دم تیغ سلطه‌جابرانه حکومت‌های جابر وقت کمی دور و تا حدی در امان بوده‌اند و اگر از گزند خشکسالی در امان می‌مانده‌اند زندگانی نسبتاً خوبی داشتند و این مسئله خود انگیزه‌ای جدی برای پیگیری تداوم زندگی به این شیوه بوده است. حتی با وجود ثبات سیاسی موجود در دوره صفوی، زندگی کوچ‌نشینی به دلیل وجود گروه‌های ایلی - قبیله‌ای قزلباش در نیروی نظام صفویه گسترش یافت. (شهبازی، ۱۳۶۹: ۶۲-۶۴).

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری عبارت است از:

۱- جغرافیای منطقه بختیاری

وسعت سرزمین بختیاری، در حدود ۵۰۶۲۵ کیلومتر مربع تخمین زده که ۱۴۸۷۰ کیلومتر مربع آندر استان چهارمحال و بختیاری، ۲۱۰۳۹ کیلومتر مربع در استان خوزستان، ۷۹۷۶ کیلومتر مربع در استان لرستان و ۶۷۴۱ کیلومتر مربع در استان‌های اصفهان و کهگیلویه و بویر احمد توزیع شده است. بنابراین منطقه‌ی بختیاری در دو محدوده‌ی مشخص و متفاوت از هم گسترده شده است. منطقه‌ی اول در امتداد رشته‌کوه‌های زاگرس واقع شده ارتفاع آن از هزار

متر در جنوب تا بیش از چهار هزار متر در شمال متغیر است و مناطق شمالی و شرقی استان خوزستان را دربردارد؛ و منطقه دوم، جلگه خوزستان است که دارای عرض جغرافیایی پایین و حداقل ارتفاع و نزدیکی به حوضه ی گرم و خشک خلیج فارس می باشد. تفاوت‌های فصلی بین این دو محیط با طبیعت متفاوت، مانند تضادهای آب و هوایی، زمان رویش گیاهی، منابع آب، موجب کوچ و جابجایی بختیاری‌ها و دام آن‌ها می شود. (مشیری، ۱۳۷۲: ۱۷۰-۱۷۴) اراضی کشاورزی اندکی که کوچ نشینان بختیاری دارند از سنگ پوشیده شده است. برای کار بر روی این زمین‌ها آن‌ها ناچارند که ابتدا سنگ‌های ریز و درشتی را که زمین‌های کشاورزی آنها را پوشانده از زمین‌ها خارج کرده و سپس در آن به کشت بپردازند. اندک خاکی که در اثر این عمل به جای می ماند سبب می شود که زراعتی پر رنج و بی رونق پدید آید که حاصل آن محصولی اندک است. به همین علت طبیعی محیط است که فعالیت کشاورزی در این مناطق گسترش نیافته و از دیرباز تا کنون، فعالیت اقتصادی ساکنان این منطقه، عمدتاً دامداری، خصوصاً دامداری کوچ نشینی است (امیر احمدیان، ۱۳۷۸: ۲۱۵).

۲- افزایش جمعیت و محدودیت اراضی قابل کشاورزی

برخی از پژوهشگران و دانشمندان افزایش جمعیت را عامل اصلی کوچ دانسته‌اند و معتقدند که پس از کشت زمین‌های قابل کشاورزی انسان برای بهره گیری از مناطق حاشیه ای که قابل کشاورزی نبودند ناگزیر به انتخاب زندگی کوچ نشینی شده است. بنابر این زندگی در کوچ به عنوان نوعی سازش فرهنگی با محیط تلقی می شود که انسان از راه پرورش دام مناطقی را که قابل کشاورزی نمی باشند به صورت چراگاه‌های طبیعی مورد استفاده قرار می دهد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۲۷؛ اکبری و میزبان، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳).

۳- نظام تولید و بهره‌برداری

زندگی ایل بر اساس دام و دامپروری بنیانگذاری شده و لازمه وجود این دو، مراتع و چراگاه است که یافتن آنها در فصول مختلف سال نیازمند کوچ است. پولاک کوچ نشینی و چادر نشینی را به دلیل خصوصیات زمین شناسی می داند. «خصوصیات زمین شناسی کشور

برای چادرنشینی مناسب است. وجود دشت‌های گسترده که به کار زراعت و یا سکونت دائمی نمی‌خورد، ولی در ۳ ماه تابستان چراگاه خوبی برای چارپایان است. مناطق پست و کم ارتفاع که در تابستان به طور کلی خشک و غیر قابل سکونت است، ولی زمستان تا آغاز بهار پر از گل و گیاه می‌شود و تنها برای سکونت متناوب چادرنشینان مناسب است.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۳۰) بنابراین کوچ یک نیاز، در جهت تداوم زندگی ایلاتی و عامل بقای ایل است و جزء ذاتی و لاینفک ادامه حیات در قالب چنین جامعه‌ای است. این جابجایی در دو فصل بهار و پاییز صورت می‌گیرد و به ترتیب از گرمسیر به سردسیر و از سردسیر به گرمسیر انجام می‌گیرد. در این کوچ مراتع، چراگاه و عوامل جوی اصول تعیین‌کننده‌ی زمان کوچ هستند.

۴- ورود ایلات و قبایل مهاجر و مهاجم

در تاریخ ایران امواج مهاجرت‌های قومی که در چارچوب مهاجرت یا تهاجم‌های بزرگ تاریخی به سوی این سرزمین صورت گرفت، افزون بر این که به تزریق جمعیت ایلاتی به درون ایران انجامید، به سبب شرایطی که پدید آورد، زندگی کوچ‌نشینی و ایلاتی را گسترش داد. تنوع قومی ایلات و عشایر امروز ایران از پیامدهای این رویدادهای تاریخی است که ایل بختیاری مستثنا نیست.

۵- عوامل امنیتی

ایران همواره در گذشته تهاجمات بزرگ تاریخی یا ناپایداری نظام‌های سیاسی را تجربه کرده است که ناامنی و هرج و مرج از پیامدهای آن بود. این شرایط با توجه به اینکه زندگی کوچ‌نشینی نسبت به یکجانشینی از آسیب‌پذیری کمتری برخوردار بوده است پاره‌ای اجتماعات یکجانشین را ناگزیر به انتخاب شیوه زندگی کوچ‌نشینی می‌نمود. به گونه‌ای که پس از تهاجم مغولان در بخش‌هایی از ایران تبدیل زندگی یکجانشینی به کوچ‌نشینی تقریباً امری فراگیر بود (گارتویت، ۱۳۷۳: ۵۸).

۶- عوامل فرهنگی

اهمیت اقتصاد شبانی و نقش آن در تأمین نیازهای ضروری جامعه انسانی به گونه‌ای بود که در فرهنگ و باورهای جامعه ایرانی این پیشه ستوده شده و در متون مذهبی پیش از اسلام به عنوان شغل مقدسی معرفی شده است. در فرهنگ اسلامی نیز دآمداری از مشاغلی معرفی شده است که روزی حاصل از آن در کنار کشاورزی از حلال‌ترین روزی‌ها است.

نتیجه‌گیری

قدمت کوچ نشینی در ایل بختیاری به مرحله انقلاب نوسنگی (۶۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ سال پیش) می‌رسد و در پویش سازگار با تکامل مرحله یکجانشینی به وجود آمده است البته ورود ایلات و قبایل مهاجر و مهاجم به ایران منجر به گسترش و رشد زندگی شبانی و کوچ نشینی در ایل بختیاری شده است. از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم زندگی کوچ‌نشینی در ایل بختیاری می‌توان به جغرافیای منطقه بختیاری، افزایش جمعیت و محدودیت اراضی قابل کشاورزی، نظام تولید و بهره‌برداری، ورود ایلات و قبایل مهاجر و مهاجم، عوامل امنیتی و فرهنگی می‌توان اشاره کرد.

پی‌نوشت

۱- روند تکامل تمدن از ۳ میلیون سال پیش تا کنون به این شرح بوده است: ۱- دیرینه سنگی (از ۳ میلیون سال تا حدود ۱۳ هزار سال پیش)، ۲- میانه سنگی (از ۱۳۰۰۰ سال تا ۱۱۰۰۰ سال پیش)، ۳- انقلاب نوسنگی (۱۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش)، ۴- تمدن یا شهر نشینی (۶۰۰۰ سال پیش تا قرن ۱۸ میلادی)، ۵- انقلاب صنعتی (قرن هجدهم میلادی) (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۶۰).

- ۱- اکبری، علی و میزبان، مهدی؛ (۱۳۸۳) در آمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران، تهران، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال پنجم، شماره‌ی نخست.
- ۲- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰): کوچ‌نشینی در ایران پژوهشی درباره‌ی عشایر و ایلات، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰): قوم‌گر پژوهشی درباره‌ی پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی‌گرها در ایران، تهران، آگاه.
- ۴- امان، دیتر (۱۳۷۴): بختیاری‌ها: عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی محسن محسنیان، مشهد، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ۵- امان، دیتر (۱۳۷۴): بختیاری‌ها: عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی محسن محسنیان، مشهد، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ۶- امان‌اللهی بهاروند، سکندر؛ (۱۳۸۳) زوال کوچ‌نشینی در ایران، تهران، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال پنجم، شماره‌ی نخست.
- ۷- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۷۸): ایل بختیاری، تهران، دشتستان.
- ۸- بدلیسی، امیر شرف‌خان (۱۳۷۳): شرفنامه تاریخ مفصل کردستان، تهران، حدیث، چاپ سوم.
- ۹- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱): سفرنامه‌ی پولاک، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۱۰- دیگار، ژان پی‌یر (۱۳۶۶): فنون کوچ‌نشینان بختیاری، ترجمه‌ی اصغر کریمی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ۱۱- سردار اسعد، علیقلی خان (۱۳۶۳): تاریخ بختیاری، با مقدمه‌ی جواد صفی‌نژاد، تهران، فرهنگسرا، چاپ دوم.
- ۱۲- شنیدلر، هوتم (۱۳۶۳): "ایل بختیاری"، در تاریخ بختیاری، سردار اسعد بختیاری، با مقدمه‌ی جواد صفی‌نژاد، تهران، فرهنگسرا، چاپ دوم.
- ۱۳- شهبازی، عبدالله؛ (۱۳۶۹) مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران، نشر نی.
- ۱۴- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸): عشایر مرکزی ایران، تهران، امیرکبیر.

- ۱۵- صفی نژاد، جواد (۱۳۸۱): لره‌های ایران، تهران، آتیه.
- ۱۶- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۱): مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه اصفهان.
- ۱۷- گارثویت، جن. راف (۱۳۷۳): تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری، ترجمه و حواشی مهرباب امیری، تهران، سهند.
- ۱۸- لایارد، سراوستن هنری و دیگران (۱۳۷۱): سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، ترجمه و حواشی مهرباب امیری، تهران، فرهنگسرا.
- ۱۹- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲): تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۲۰- مشیری، سید رحیم (۱۳۷۲): جغرافیای کوچ‌نشینی مبانی ایران، تهران، سمت.
- ۲۱- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۴): ایران تاریخ، فرهنگ، هنر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۲- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۲): دو سفرنامه درباره لرستان همراه با رساله لرستان و لرها، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران، بابک.
- ۲۳- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹): درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت.
- 24- Housego, Jenny (1978): Tribal Rugs, London, Scorpion publications Ltd.
- 25- Lambton, A.K.S (1991): "Land Tenure and Revenue Administration in the Nineteenth Century", The Cambridge History of Iran, edited by Peter Avery & Gavin Hambly, V7, Cambridge University Press, Cambridge, PP459-506.
- 26- Sheil, M (1973): Glimpses of Life and Manners in Persia, New York, University Press.
- 27- Tapper, Richard (1991): "The Tribes in Eighteenth and Nineteenth Century Iran", The Cambridge History of Iran, edited by Peter Avery & Gavin Hambly, V7, Cambridge University Press, Cambridge, PP506-542.